

نظري برسير تحولات امور مالي و بودجوى دولت و وزارت امور خارجه افغانستان

قبل از اینکه نظری بر سیر تحولات بودجوى وزارت امور خارجه افغانستان انداخته شود بهتر خواهد بود تا سیر تحولات سیستم های مالی و کنترل بودجوى دولت افغانستان در ادوار و مراحل مختلفه را سیر نموده و در جریان آن نظر تدقیقی بهتری بر چگونگی اوضاع بودجوى وزارت امور خارجه انداخته شود لهذا برای سهولت کار و حل مطلب، در مجموع تمام این مراحل را که مشمول دوره قبل از استرداد استقلال افغانستان باشد و یا بعد از آن (۱۹۱۹م) در چهار قسمت مورد بررسی قرار داده میتوانیم:

الف - مرحله قبل از استرداد استقلال کشور تا سالهای ۱۲۹۸ هجرى شمسی مطابق ۱۹۱۹ میلادی
ب - مرحله بعد از ۱۲۹۸ ش و استرداد استقلال وطن و دوره تدوین قوانین (نظامنامه های) جدید .
ج - مرحله بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ م و سرآغاز دوره سیر نزولی وضع مالی و انحطاط بودجوى با انارشیزم ادارى.
د - مرحله بعد از جلسه بن در ۲۰۰۱ م و آغاز خود ارادیت های ادارى و برهم خوردن سیستم مالی و بودجوى.
الف - مرحله قبل از استرداد استقلال و دوره که با محدودیت های اهل خبره و کار و قلت عواید ملی که اکثرأ بر کمک سالیانه پولی خارجی استوار بود که تشکیلات دولتی مکتبی هم با بسط و وسعت و عناوین مختلفه وجود نداشته، ما مورین عالی رتبه امور دولتی (با مقایسه به وزیر امروزی) ملقب به امین (امانتدار) بوده اند یعنی که ایشان په خپل سر دستی در مصارف عواید دولت نداشتند و با هدایات امرای مرعی الاجرا قرار میگرفت و چنانچه تاریخ گواه است اکثریت تام امرای نیز سعی داشته اند که توازن بین عواید و مصارف را مراعات کرده و صلاحیت کنترل امور مالی را به امین الوجوهات (امانتدار نقدینه ها و هم مانند وزیر مالیه فعلی) تفویض میکردند که در ولایات مستوفی ها و در حکومت های اعلى سررشته داران و در باقی حکومت محلی و علاقه داریها تحصیلداران و بعد ها مامورین مالیه را مقرر مینمودند تا مالیات متوعه را حصول نمایند که همه امور بر طبق مرام پیش میرفت که باهمان ظرفیت کوچک امور مالی مالیات اراضی و مواشى (شاخ شماری) و عواید گمرکی، پول های وارده را به خزانه دولت در مرکز انتقال میدادند که وضع و تشکیل بهترین آن را در سیستم مالی و ادارى دوره سلطنت مرحوم امیر شیرعلی خان میتوان یافت و اولین مرتبه سیستم منظم تدریسی مکتبی و تشکیلات اساسی دولتی و استخدام معلمین و مامورین دولت مرعی گردید و امور پسته رسانی بین ولایاتی را تحت عنوان تیم جوانان سوارکار بنام چپر رویکار آورده بودند و اولین مرتبه بوده که عواید محصول پستی با استفاده از تکت پستی منطبقه مطبوعه صکوک کابل ایجاد شد.

ب - مرحله بعد از استرداد استقلال وطن یعنی دوره که با زعامت اعلیحضرت مرحوم غازی امان الله شروع می شود و چون خود موصوف با رشد و تربیت در مکتب علمی و ادبی علامه محمود طرزی (بعد ها خسرشان) در مسایل حقوقی و روابط بین المللی و امور تقنینی؛ در زمانش؛ ید طولانی داشتند که حتی گویند که مسوده و یا خاکه اولین قانون اساسی دولت مستقل افغانستان را با مطالعات مسایل جهان بینی خود، خود برشته تحریر درآورده بودند. که قوانین مالی و بودجوى دولت یکی از آنها بشمار میرفت.

چون پدر مرحوم از جمله اولین دوره فارغان مکتب حکام آغاز سلطنت شان بودند و تمام نظام نامه های جدید (قوانین تدوین شده) جز پروگرام تحصیلی شان بوده و آنها را با خود داشتند تا سالیانی؛ بیشتر از ۴۰ نوع همچو نظام نامه ها را خودم از ایشان گرفته و با خود داشتم که متأسفانه همه اش قربانی زندانی شدن و صدقه سر دوست نما های نابکار و تار و مار شد!

چون بر اساس همین نظام نامه های که بیشترش بر مبنای معلومات مرحوم طرزی و استفاده از منابع مختلف و مخصوصاً تاحدی فرانسوی و اعظماً از ترکی استوار بود سعی بعمل آمده بود تا در همه موارد پرنسیپ های پیشرفته علمی و احتیاجات اجتماعی را مدنظر بگیرند (و چنانچه گویند که اعلیحضرت موصوف تاحد زیادی بر لسان ترکی تسلط هم داشتند)

عده ازین نظامنامه ها عیار کننده نظم امور حسابی و عواید و مخارج دولت یعنی موضوعات بودجوى بود و چون از کمکهای پولی (معاشات مستمری دولت انگلیس !) خبری نبود لذا دولت مجبور بود که همه امور مالی را خود رونق داده و تناسب معیار بین عواید و مصارف خود را خود تنظیم کند و البته با سرعت سیر انکشافی که براه افتاده بود و فعلاً خارج موضوع بحث ماست، سطح نظم عواید و امور بودجوى سیر ارتقائی خوبی را در پیش داشت که متأسفانه

باز دست دشمن نا بکار؛ شیرازه حکومت ملي فعالی را از افغانستان بر چید که آن دور کوتاه و بی انتظامی ها هم گذرا بود تا اداره کشور تکراراً تا حد زیادی بدست اهل کار افتاده و مسایل مالی و بودجوی براه خود استوار شد.

ج - مرحله بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ که اگر درین دور تنها قسمت امور مالی؛ و نه دیگر جوانب زندگی انسانی مردم افغانستان در نظر گرفته شود و نه از طرز اداره و بلکه از بردگی مالی آن گروه مفسد و شیاد بی خدای غاصب اداره امور افغانستان؛ تذکری بعمل آید کافی خواهد بود که بر بنیاد گذار دور سقوی پدر رحمتی فرستاده شود زیرا از همان آغاز کاریکه این گروه فاسد بنام؛ جلودار امور شدند این روس و عمالش بودند که امور مملکتی افغانستان را عملاً در قبضه گرفتند و گدیگک های چوبینی بنام افغان در اطراف شان میرقصیدند. در حالیکه در اساس؛ سفارت و مشاورین روس اداره کننده افغانستان در همین امور مالی و بودجوی بحساب میرفتند که کوچکترین انحراف و بی اطاعتی از اوامر شان یا گوشه زندان خاد صدارت و یا پلچرخي بود و یا جوقه آتشیکه (با تکیه کلام همیشگی داکتر شاه ولي و باندش!) که با پولیگون قوماندان سید عبدالله معروف - 'بُوخنوال روس بی خدا در افغانستان بحساب میرود. و چه حیف است که نتیجه اش عفو دولت متجاوز شوروی از پرداخت غرامت جنگ از طرف دولت فراری استاد برهان الدین در خواجه بهاولدین (۱۲ سپتمبر ۱۹۹۷) بود که با شغالی شدن امور و سند کشی ۱۰ میلیارد دالری مقروض بودن ملت افغان به پوتین آغا (روس متجاوز بود) که با پیشکش کردن شکمهای کشته ملت تباه شده افغان از طرف دکتور صاحب احدی وزیر مالیه و دودین ها و سرماندن بحضور تواریش پوتین؛ سند معافیت آنرا بدست آوردند. ولي غرامت گیری از متجاوز دوست نما! - مرد میدان و قدرت ایمان بکار دارد؟ زیرا افغانستانی که به خود اکتفائی رسیده بود با ظلم و کشتار های میلیونی زندگی نه بلکه تنازع لببقا را از صفر شروع کرد!

د - مرحله بعد از جلسه بن یا آغاز خود ارادیت های اداری جهادی و برهم خوردن سیستم مالی و بودجوی افغانستان و منجمله در وزارت های کلیدی مانند وزارت امور خارجه و مالیه افغانستان که سرآغاز آنرا میتوان (درازبین بردن مژورانه وزارت پلان گذاری) جستجو کرد.

و قبل از اینکه برین دوره تبصره نمایم لازم است که مرور کوتاهی بر اساسات و پرنسیپهای حسابی و بودجوی تا حد زیادی علمی و مستندی نمایم که قبل از فاجعه شوم ۷ ثور ۱۳۵۷ بر سیستم محاسبوی افغانستان حکومت میکرد:

الف - امور محاسبوی عواید پولی و نقدی: اصولاً به اساس هدیای قانونی، وزارت مالیه افغانستان در د افغانستان بانک یعنی بانک مرکزی دولتی - تحت نمبر ۶۰۰۱ حساب جاری داشت که تمام عواید دولت، اعم از پول افغانی و یا اسعار خارجی خواه از داخل افغانستان و یا خارج از کشور (بشمول عواید صکوک و امور قونسل نمایندگی های سیاسی افغانی در خارج) همه بایست بدون قید و شرطی اولاً بهمین حساب تحویل و قید جمع شده و سپس حسب لزوم دید رسمی برای مصارف عمومی و متفرقه دولت (بشمول تمام مصارف و معاشات و سفر خرجهای خارجی دولت واقساط نمایندگیهای سیاسی در خارج، طی احکام معینه بمصرف میرسید) و چون وزارت امور خارجه تمام بودجه سالیانه و مصارف اسعاری و افغانی خود را در همان چوکات بدست می آورد مکلفیتاً هیأت مسلکی و با صلاحیتی از انوزارت (مانند نمایندگان هر اداره دولت) در جلسه مالی و بودجوی سالیانه دولت در وزارت مالیه حضور بهم رسانیده با پیش کردن بودجه مالی سال آینده (نقدی و مصارف جنسی خود را) از یک پول و سنت تا بلند ترین رقم آنرا دفاع کرده و از تصویب کمیسیون می گذشتاند و البته بعد از طی مراتب آن در مجلس وزرا و سپس تائید پارلمان که مراحل قانونی خود را طی میکرد و اجراءات در زمینه عنداللزوم صورت میگرفت که شخصاً خودم دو مرتبه عضویت این هیأت را داشتم و وزارت امور خارجه که کمتر مشکل بودجوی افغانی مرکزی و بیشتر موارد اسعاری نمایندگیهای سیاسی در خارج را داشت با طی ۴ ربع سال و باز هم گذشتاندن مراتب آن در وزارت مالیه و دافغانستان بانک این حواله جات قابل اجرا شمرده میشد و مدیریت عمومی محاسبه وزارت امور خارجه مکلف بود که تابلوی مکمل تخصیصیه هر ربع سال را قبل از آغاز آن ترتیب و طی مراتب نموده با گرفتن امضای مقام ذیصلاح وزارت امور خارجه، آن مبالغ را از طریق دافغانستان بانک مستقیماً بهر یک از نمایندگیهای سیاسی طور تحویل و بنام رئیس آن نمایندگی انتقال بدهد و مومی الیه نیز مکلف بوده که تمام صورت حساب مصارف و معاشات مربوط به نمایندگی را بعد از ختم هر ربع و یا ۶ ماه و سالتمام بوزارت امور خارجه حساب داده، باقیات و صالحات خود را تصفیه نماید و بعضاً برای بررسی همچو مأمولی یک هیأت مسلکی با صلاحیت و بدون اطلاع قبلی به نمایندگی مورد سوال اعزام میشد که مقصرش مستوجب عقوبت شدید می بود و حتی شنیده بودم که سفیری را با خاتمه دادن وظیفه؛ با طی مراتب محاکموی مجبور به باز پرداخت باقیاتش تا جبران خساره از طریق فروش جایداد و املاک شخصی او مکلف ساخته اند و یا بعد تصفیه باقیات و دوسیه مربوطه لزوماً به تقاعد سوق داده اند... اگر احياناً مصارف فوق العاده و متفرقه بالاتری از تخصیصیه متفرقه وزارت پیش میامد بایست با طی مراتب آن در مجلس عالی وزرا و صدور فرمان اجرائی آن عنوانی وزار مالیه، آن مشکل را سهولت می بخشیدند ولي باز تابع دادن صورت مصرف آن بودند که از قیدیت جمع خلاص شوند و بدین ترتیب سالیانی میگذشت و سالیانی می آمد تا بحکم اینکه، آنرا حساب پاک است از محاسبه چه پاک است، عملی میگردید.

د پائو شمیره: له ۲ تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

ب - امور محاسبوی جنسی : اداره را که صلاحیت اجرائیوی این امر عهده دار بود مدیریت خدمات مینامیدند و همه بهتر میداند که چه مرکز وزارت و یا هر نمایندگی از خود و برای ضرورت خود وسایط نقلیه و مفروشات و لوازم متفرقه زیادی داشت که مانند قرطاسیه تابع اسهلاک نبوده فلذا تمام آن با موجودی سالانه و با اضافات و با قید قیم لوازم خریدای شده آن بجمع هر منتظم و یا باشی اداره در مرکز و رئیس نمایندگی در خارج قید میبود که مخصوصاً بعد از ختم وظیفه سفیری و بعد از موجودی و ترتیب لست جدید آن، همه را مؤقتاً به شارژدافیر مؤقت تسلیم میدادند تا با مواصلت سفیر جدید همه را يك بيك به ایشان تسليم داده و يك کاپي آنرا بمرکز وزارت میفرستاد که تکرار از قیدیت جمع اولي وضع و در جمع سفیر جدید قید میشد و بدینصورت چه مسایل حواله جات نقدی بودجوی و چه اموال و لوازم منقول و غیر منقول دولت (درحقیقت ملکیت مردم افغانستان) از دست برد و اختلاس مصون میماند ولي **ایکاش** و اگر باز هم دور نوین جهادویون ثروت پیمای ما و مخصوصاً در وزارتهای مالیه و امور خارجه بعضی از روشهای متوازن تر حسابی و امور بودجوی حتی همان دور شاه محمد دوست روس را (که از آغاز تا انجام مامورهمین وزارت امور خارجه بوده و با درک خوب و بده انصافاً بي خریطه فیر نمیکرد!!) مراعات میکردند که نکردند سخن تا باین رسوائیها مالي و تشکیلات وسیعتر از دولت و مصارف بودجوی اسعاری دریایی و دست درازی در عواید ملي نمیرسید خاصتاً با این تفاوت سطح زندگی طبقاتي از **صفر افغانی تا میلیارد ها دالری** مردمان ما و این دریوزگی و کجکول گردانیها و فسادهای اداری و بالنتیجه به بي ابرویی ها به نزد از خود و بیگانه بمرم کور شده ما از دود کباب موژا خدین نمیرسید تا اهانت و ناز برداری حمید گل خود مزدور؟! و اینهم مرحله نوین و اگر بصورت کنجکاوانه صادقانه سری بهمان وزارت امور خارجه بزنیم با استناد بهمه شواهد و اسناد معتبر رسیده بنشرات و مطبوعات (رسانه بازیها!) و یا پخش شده از دست و دهن ارکان آنوزارت؛ بخوبی مشاهده میکنیم که چطور خودسری های ناشیانه بی سابقه داری دولنداری و خود نمي های منفعت جویانه از خو نوازی از آغاز همین دور نوین گلنهایی را به آب داده و امور مالي و بودجوی همین وزارت مؤقراً به بیچارگیها و درماندگی ها کشاندند که درین راه خوش خدمتي (یعنی خموشی سوال برانگیز وزارت معظم مالیه ما افغانستان (در دور وزارت دو پروفیسور دانشمند گران مقدارافغان یعنی دوکتور اشرف غني احمدزی و داکتر انورالحق احدی) را در برابر تخطی ها و اجراءات و یا اعمال ضد قانوني دکتور عبدالله وزیر امور خارجه را نباید فراموش کرد که اگر ایندو جناب مهد علم و دانش؛ با ترس از مسئولیت ملي و بحکم وجدان جلو دستبازیهای خودسرانه وزیر امور خارجه را میگرفتند و برایش موقع سو سو استفاده خودسرانه میلیونها میلیون دالر یعنی جویهای روان بدون توقف عواید صکوک و امور قونسلتي از نمایندگیهای سیاسی در خارج را نمیدادند که دادند و چرا؟ همه آن قطرات خون و نان و آب همین ملت قربان شده افغان بود که این فرزند ناخلف مجاهدین زراندوزما؛ با آن بنام افغان ولی با ناموس ملت در خود وزارت پاک بنیادی و با دارائی مردمی بازی کرد. ایکاش که اگر این ناجوانمرد در زمان قدرت مایشانیش؛ دست نا پاکش را از خزینه عواید صکوک و دارائی ملت دور نگه میداشت و خودسرانه به جبهه داران خودی و یا بطورمثال ۵۰۰۰۰۰۰ دالر آنرا به نامردی! با مقام سیاسی نمایندگی دولت نمیبخشید که آن نمایندگی قطعاً بان پول ضرورت نداشت تا مردم گدای افغان! امروز دست دولت افغان به درب همسایه های ناجوانمرد تر از خودش دراز نمیماند.

واقعیت واقعیت است و باید گفته شود که اگر این نمک حرام؛ هم مانند نزد بیخبری باهمراهی داره جبهه خود از راه بام بر آن کرسی نزول اجلال نمیفرمود که کسیرا هم یارای آن نبود؛ برای شان بگوید که آبروها بالای چشم تان است و شمه از خوان همان پدراندر دانشمند و پاک و با شخصیتش(مرحوم زمريالي) بهره میبرد امروز عبدالله جاني نمیبود که ناموس همکارش در همان وزارت مؤقر لکه دار و طلاق و دارائی و ماهیت وطن را زهرمارنکرده و امروز پالیسی سادوگری و کهنه زری کوی پشت درب تاج بخشان تمسخر کنان بر خود او را اختیار نمیکرد و خوب بیاد دارند که همین چهره خودمختار بودند؛ که با اولین برخورد مشکل مالي و بودجوی دولت و شنیدن صدای زنگ عواید سرشار صکوک و امور قونسلتي در نمایندگیهای سیاسی در خارج؛ بامشورت استادانه بهمه سفارخانه ها و جنرالقونسلگری های افغانی ارشاد فرمودند (البته تلفوني و شفاهي که انکارش طرد از کرسی بشمار میرفت) که تمام عواید صکوک خود را؛ نه بحساب خزینه دولت مرکزی و مانند همیشه و بلکه مستقیماً بحساب جدیدالافتتاح جنرال قونسلگری افغانستان در بن (که جناب جنرال قونسل- پسر خاله حضرت استاد برهان دین هزار درصد معتمد نقد و جنس جهادانه در پشاور هم بودند) بدون کم و کاست انتقال بدهند و یقیناً با یک تفاهم شفاهي با وزرای محترم دانشمند مالیه و ذیب زده برلب و چلیبائی بر حساب ۶۰۰۱ عواید مجموعي و مرکزی دولت در دافغانستان بانک که برحسب احکام قانون؛ در دولتهای تا قبل از ایشان؛ کسیرا حق و جرأت نبود که یک پول و یا سنت عواید اصلي دولت را دست بزنند و تمام آنرا (بگفته بزرگان ما از سنار تا شاهي) حساب میدادند؛ که با این فرمان شفاهي عبدالله خان هیچ عایدی بحساب بیت المال نرفت بلکه همه اش در حساب خصوصی بیت الاخوان انتقال میشد (و تابع متلیکه شراب مفت را قاضي هم میخورد!!) و در پهلوی اقدامات په خیل سر هم با تعیینات یُندا نده شده بی سابقه براه افتاد و دریک چشم زدن برای کشوریکه دم موش در کندویش سفید نمیشد (برای پیدا کردن کرسی سياسي و جای پائي برای اهل دسترخوان جبهه و راضی نگهداری شان که البته مانند نظامي؛ اهلیت و مسلکیت ارزش توت را هم نداشت ۲۴

د پايو شميره: له ۳ تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لوی

سفارت افغانی در خارج را به ۵۱ و ۴ جنرال قونسلگری را به ۱۶ ارتقا دادند و در مدت بسیار محدودی تشکیل یک وزارت ۳۷۵ نفری را (کادرمركزی و نمایندگیهای سیاسی در خارج را) به ۵۷۵ کرسب رساندند که البته گرفتن امضای مقام دولت بیدخل چرت زدن هم بکار نداشت! اینهم در حالیکه باساز رویه بالمثل بایست و لزوماً همه ۵۱ کشور متقابل نیز در کابل سفیر مقيم می‌داشتند ولی بعضی از ایشان ازین تصمیم یکطرفه عبدالله خانی (البته با تعجبی که آنها یک سنت خود را بيمورد مصرف نمیکنند؛ اعزام سفیر کیبری را به افغانستان خود گدا؛ بیلزوم خواندند که عبدالله گل ما مانند همیشه هیچ چیز را بروی خود نگرفت و نمونه نیگوی آن بطور مثال تصمیم دول ناروی و هسپانیه است که درین ملک پسر مرده حتی جناب داکتر سینتای دانشمند هم درین لحاف مکروبییک شان مصاب شدند و امروزه افغانی حق دارد بیرسد که معاش و خرچ رویائی سفیر روزگم بی مسلک ماموریت دولتی ندیده بسفارت رسیده داکتر صاحب چشم ملت در مادرید را جز جیب ملت کی مییر دازد و چه روزگاریست که دزدی فریاد دزد بگیرد و قاتل ناموس ملت برای روزگار بد ملت افغان اشک ریزی میکند! اگر چه بعد از رفع زحمت داکتر عبدالله خان از آن وزارت آبرو رفته مفلس! باز هم احدی از جناب رئیس جمهور گرفته تا وزرای عالی مقام مالیه و دیوان محاسبات را جرأتی نبود که از جناب پرکتی مرحوم زمربالی بیرسد که عواید ملت را چه آفت رسید و پولش کجاست؟ ولی باز هم جناب دوکتور سینتا زیر عنوان کنترول عواید و مصارف مالی چند دور هیأت های مفتشینی را از مرکز وزارت بنمایندگی ها اعزام کردند و چون باز هم ریاستش را باظر و داماد داماد استاد برهان دین بعهده داشتند و بی بهره از امور حسابی! آنچه شنیده شد که بچند نمایندگی سیاسی تشریف برده و مهمانی خورده و البته با اسنادی ... رهسپار کابل شدند که راپوری بود از خیریت! و چون سخن به مطبوعات کشید و اسنادی بمیدان! باز هم هیأت های بعدی؛ قلیل و کثیری از دست بازیها حیف و میل عواید بی بند و بارانه یا بمصرف رساندن خود مختارانه آن عواید رابا تفصیلیکه اصلاً قیمت فروش تکت صکوک و عواید امور قونسلئ اساساً ثبت دفتر اساس شده است یا برای خریدارهای لوازم بدون استیذان اضافه از ضرورت بمصرف رسانیده اند تذکراتی داشته ولی عموماً بی آب و دانه یعنی که نه از فایل و لست موجودی اشیا و نه از قیمت خرید اثری ونه از اطلاعیه رسمی آن بمرکز وزارت خبری! که حتی بعضی از اصل اموال و اشیا خریداری شده از پول صکوک وجود ظاهری نداشته اند! و مثلاً جناب وهاب صمدی داماد والای حضرت استادیکه سفارت مسکو را روفت و به داماد عزیز دیگر شان (جناب احمد ضیا مسعود!) بفروخت آنچنان و مستانه عواید شرشارش را بلعیدند که گوشت بر استخوانش نماند تا قیمت ویلاهای دوبي را کارسازی کند و شارژدافر صاحب با (غیرت!) هم که خود ماهرتر از استادان بود و کهنه کار قدیم و از یاران شاطر عهد تجاوز ۷ ثور ۱۳۵۷- چون پس ماندنش را از جبهه سواران بی غیرتی میشرمد در راه نیش قبر عواید و دعوت نامه بازیهای پر درآمد تر از عواید صکوک چنان بسهولت خود را بدایره حلال کردن ها رسانید که باهم وزنی اسم مبارکش (غیرت) و لنگرداری خودی در مسکو؛ رئیس بی مثال موسسه تربیت کادر سیاسی در مرکز وزارت شد و پراچه تر در راه صدرنشینی یکی از سفارتهای بخت برگشته افغانستان! و اگر وزیر خارجه گرامی با حوصله تر از رئیس دولت ما بزودی نجیند - خدانا خواسته کار این وزارت بیزبان به دامنه های نخاس خواهد کشید و کجا خواهد بود شاعر جگر سوخته دیگر افغان که همچو فریادی را از نو برآرد و بگوش اهل خبره برساند: اگر به نیم بیضه عبذل ستم روا دارد کشند غلامان او هزار مرغ به سیخ اگر زیباغ رعیت هم او خورد سیبی کشند غلامان او درخت از بیخ داکتر عبدالله جان سرگردان جهان برده گیر صدها گلی به آب داده و کاسه عواید و بودجه ملت فقیر افغان را واژگون کرده بهر گوشه از جهان چوری زده روان است تا اگر بمراد ارگ گیری برسد و این بیچاره نمیداند و یا نمیخواهد بداند که همه این سلمانی ها؛ مسلکی کهنه کاری اند که طی قرون متمادی صدها سر و سر دار و امرای ما را تالاتی ها و از خلق و پرخم گرفته تا استادان جهاد نماتر کرده اند مگر یکی اش را کل نه؟! و چه بهتر خواهد بود که قبل از اینکه روزی برسد که ملت افغان ذره ذره عواقب اعمال نا شایستش را با دارائی و عواید مشروع ملی شان را از حلقوم او وهریکی از اهل زور و قارون با حکم عدالت و زور و فشار قانون از ایشان بستاند برهریک شان از همین حالا یک فربضه افغانی و ملیست که با طلب استغفار و اعاده داراییهای منقول و غیر منقول ملی؛ پوست خود را از سوختن در آتش غضب مردم حق تلف شده افغان برهاند و بعد از آن کاری کنند تا جبرال کننده بیچارگیهای تا امروز شان در برابر خدا و خلق باشد. قلب و دامن این ملت خوگرفته به ستم بسیار فراختر از آنست که این پیش پا بینان می اندیشند. این پیشنهادیست که ممکن است با استاده بودن در وطن به پای بیگانه ها بنظرشان تمسخر آمیز آید ولی آنچه تاریخ گذشته و مدارک مستند عبرت دهنده این کشور همیشه بلا کشیده بیاد دارد اینست که هر زمانیکه پای عدالت راستین بمیان آمده و دست عدالت شعار حقوق مردمی بگلولی فرعون مآبان غاصب و چپاول گر رسیده صحنه را به نمایش گذاشته که قانون آسمانی و عدالت اسلامی را باکمال صلابت و استواری آن بنمایش گذاشته است که بایست اساتید الازهر نشان و شاگردان پیرو شان؛ ولو که از سوگندی بر قرآن پاک در خانه خدا نامودانه تخطی کرده اند؛ این قضاوت خداوندی در هر دو کونین را مد نظر داشته باشند زیرا جبران حق العبد الزامیست که خالق کون و مکان صلاحیت و حق عفو حقوق العباد را به بنده های حق تلف شده شان تقویض کرده اند و بس. ومن الله التوفیق

د پائو شمیره: له ۴ تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی